

## بسمه تعالی

### تهدید قدرت چند صد ساله آمریکا به تمدن چند هزار ساله ایران و آموزه های جنگ رمضان برای دشمنانش

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، در خلال جنگ ۴۰ روزه رمضان علیه ایران، طی سخنانی گفت، ایران را با بمباران نیروگاه‌ها، زیرساخت‌ها و حتی پل‌ها به «عصر حجر» بازمی‌گرداند. این فقط یک تهدید نظامی نبود؛ بلکه نمونه کامل توحش سیاسی و جهل تاریخی در لباس قدرت بود.

وقتی رئیس‌جمهور کشور که موجودیت سیاسی‌اش به اواخر قرن هجدهم بازمی‌گردد، با چنین ادبیاتی درباره ایران سخن می‌گوید، مسئله فقط بی‌ادبی سیاسی نیست؛ مسئله، جهل تاریخی و عدم آگاهی از تمدن ۷ هزار ساله ایران بزرگ و تمدن پارسی است. اسناد ملی آمریکا خود تصریح می‌کنند که بنیان‌گذاری ایالات متحده آمریکا با اعلامیه استقلال ۱۷۷۶ صورت گرفته است. به بیان روشن‌تر، آمریکا یک دولت-ملت جوان است که حدود ۲۵۰ سال از عمر سیاسی‌اش می‌گذرد.

این واقعیت البته از اهمیت آمریکا در جهان امروز کم نمی‌کند. آمریکا قدرتی بزرگ در اقتصاد، فناوری، رسانه و نظامی‌گری است. اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که قدرت نوظهور، خود را صاحب حق تحقیر تاریخ می‌پندارد. این دقیقاً همان خطایی است که ترامپ مرتکب شده است: او گمان کرده کسی که ابزار ویران کردن دارد، حق دارد درباره شأن تمدنی دیگر ملت‌ها هم حکم صادر کند.

اما ایران، میدان خالی برای لفاظی‌های سیاستمداران تازه‌به‌قدرت‌رسیده نیست. ایران یکی از کهن‌ترین حوزه‌های تمدنی جهان است؛ سرزمینی که پیش از آنکه اساساً چیزی به نام ایالات متحده آمریکا وجود خارجی پیدا کند، دولت، ملت، دیوان‌سالاری، معماری، فلسفه، شعر، نظام حکمرانی و کشورداری و تجربه امپراتوری چندقومیتی را از سر گذرانده است. ایران را نمی‌توان با تقویم سیاسی واشنگتن فهمید. ایران را باید با مقیاس تاریخ سنجید. وقتی آمریکا متولد نشده بود، کوروش در اولین «منشور حقوق بشری» را نوشت و امروزه «فرمان کوروش» به عنوان سندی تاریخی و نخستین اعلامیه حقوق بشر در سازمان ملل متحد می‌درخشد و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود و این نماد در حافظه جهانی ماندگار شده و عظمت خود را در سامان دادن و نه در فریاد زدن برای نابودی نشان می‌دهد.

آنچه ترامپ و امثال او نمی‌فهمند، تفاوت میان ویران کردن و نابود کردن است. یک ارتش می‌تواند شهری را ویران کند، زیرساخت‌ها را نابود کند، نفتی را بسوزاند یا شبکه‌ای را از کار بیندازد؛ اما تمدن را نمی‌توان

با موشک و بمباران نابود کرد. تمدن در حافظه تاریخی مردم و در زبان، هنر، شعر، اسطوره، حافظه نسلی و ... زندگی می‌کند. ایران دقیقاً از همین جا زنده مانده است.

اگر ایران فقط یک حکومت بود، شاید در یکی از آن تهاجم‌های بی‌شمار تاریخ از میان می‌رفت. اما ایران یک تداوم تمدنی است. اسکندر آمد، مغول آمد، ویرانی آمد، جنگ آمد، اشغال آمد، اما ایران ماند. دلیلش روشن است: ملتی که حافظه تمدنی دارد، زخمی می‌شود، اما محو نمی‌شود. این همان نقطه‌ای است که زبان تهدید آمریکایی به دیوار تاریخ ایران می‌خورد و خرد می‌شود.

اینجا دقیقاً شکاف میان دو جهان‌بینی آشکار می‌شود:

یک جهان‌بینی، بزرگی را در ساختن می‌بیند؛

جهان‌بینی دیگر، بزرگی را در تهدید به ویرانی و نابود کردن.

ایران، با همه زخم‌هایش، در جهان با نام فردوسی، حافظ، سعدی، زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، خیام، ابن‌سینا، معماری هخامنشی، سنت‌های حکمرانی، زبان فارسی و حافظه تاریخی‌اش شناخته می‌شود. این‌ها چیزهایی نیست که یک رئیس‌جمهور خشمگین در یک نطق تلویزیونی و یا با یک توثیت بتواند آن‌ها را به «عصر حجر» برگرداند. آنچه واقعاً به عصر حجر تعلق دارد، نه ایران، بلکه همین ذهنیت حذف‌گر است که گمان می‌کند هرچه را نتواند بفهمد، باید تهدید کند.

ترامپ شاید بر بزرگ‌ترین ماشین نظامی جهان تکیه زده باشد، اما این به او حق نمی‌دهد که درباره تمدن‌ها با زبان اوباش سیاسی حرف بزند. کسی که تاریخ یک ملت را نمی‌فهمد، هرچقدر هم صاحب زرادخانه‌های عظیم باشد، در نهایت فقط یک حقیقت را به نمایش می‌گذارد: فقر فهم تاریخی. تمدن را نمی‌توان با قدرت لحظه‌ای اندازه گرفت. تمدنی که ترکیبی از هندسه، معنویت و زیبایی‌نظیر تخت جمشید، مساجد و میراث‌های تاریخی و فرهنگی با ۲۳ اثر ثبت شده در یونسکو، باغ‌های ایرانی و تا هنر کاشی‌کاری و ... است نمی‌تواند با زور از بین برود. کشوری که دیروز متولد شده، نمی‌تواند برای ملتی با حافظه چند هزار ساله نسخه تحقیر تمدنی بیپسند.

توهین به ایران، توهین به یک دولت یا یک جناح سیاسی نیست؛ توهین به تاریخ است. توهین به ملتی است که بخشی از حافظه تمدنی بشر را بر دوش می‌کشد و خدمات شایانی به جهانیان کرده است. هر کس این حقیقت را نادیده بگیرد، شاید بتواند برای مدتی تیتربسازد، اما در قضاوت تاریخ، نه به‌عنوان شخصیتی بزرگ، بلکه به‌عنوان سیاستمداری شناخته خواهد شد که زبان قدرت داشت، اما شعور تمدن نداشت.

و پاسخ ایران به چنین وقاحتی باید روشن، صریح و بی‌تعارف باشد:

شما شاید بتوانید بمباران کنید، اما نمی‌توانید تاریخ بسازید.

شما شاید بتوانید تهدید کنید، اما نمی‌توانید یک تمدن را تحقیر کنید.

و شما هرگز نخواهید توانست ملتی را که پیش از تولد کشور شما در تاریخ ایستاده بود، از حافظه جهان پاک کنید.

تمدن ایران، تمدنی است که:

قدمت تاریخی آن به هزاران سال باز می‌گردد؛

دانشمندانش پایه های علم و دانش را شکل دادند؛

و شاعرانش روح انسان را به پرواز درآورده اند.

این تمدن، نه فقط متعلق به یک سرزمین، بلکه برای تمدن بشریت است، روایتی از «اندیشه، زیبایی و انسانیت» که هنوز زنده است و ماندگار باقی خواهد ماند

**حسن عسگری**

**سفیر جمهوری اسلامی ایران - داکار**